تراث الشيخ الأعظم

رساله

زكات فطره

تأليف الأستاذ الأكبر خاتم الفقهاء والمجتهدين
الشيخ مرتضى الأنصاري ﴿ره﴾
١٢١٤ - ١٢٨١ هـ

اصدار
لجنة تحقيق تراث الشيخ الأعظم

بسم الله الرحمن الرحیم

رساله زکات فطره

نویسنده:

مرتضی انصاری (اعظم انصاری)

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رساله زکات فطره

مشخصات کتاب

نام کتاب: رساله زکات فطره موضوع: فقه فتوایی نویسنده: دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری تاریخ وفات مؤلف: ۱۲۸۱ ه ق زبان: فارسی قطع: وزیری تعداد جلد: ۱ تاریخ نشر: ه ق نوبت چاپ: اول مکان چاپ: قم- ایران محقق/ مصحح: محمد یوسف استرآبادی ملاحظات: این کتاب همراه با سه رساله دیگر" صیغ العقود و الإیقاعات، رضاعیه و زکات مال" در یک جلد چاپ شده است

[مقدمه]

رسالة زکات فطره

رساله زکات فطره، ص: ۲۱۹

تصویر صفحه اول رساله زکات فطره، چاپ شده به تاریخ ۱۲۷۳ ه. ق.

رساله زکات فطره، ص: ۲۲۰

تصویر صفحه آخر رساله زکات فطره، چاپ شده به تاریخ ۱۲۷۳ ه. ق.

رساله زکات فطره، ص: ۲۲۱

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

الحمد للّه رب العالمین و الصلاة و السلام علی محمد و آله الطاهرین و لعنة اللّه علی أعدائهم اجمعین إلی یوم الدین.

و بعد چنین گوید افقر العباد الی ربّه الغنی محمّد یوسف الأسترآبادی عفی عنه و عن والدیه: که نظر به التماس جمعی از اخلاء دینی و اصدقاء ایمانی مسألت و استدعا و در خواست نمودم از سرکار شریعت مدار ثقة الاسلام و حجة الانام اعلم العلماء و المجتهدین العظام جناب شیخ مرتضی الانصاری دام ظله العالی که در باب زکات فطره مختصری ارشاد فرمایند که رفع ضرورت محتاجین گردد، لهذا مسئول این کمترین به درجهٔ اجابت و قبول مقرون گشته مختصری به خط شریف خود آن بزرگوار در حیّز تحریر آمده که در آن چند مبحث است.

رساله زکات فطره، ص: ۲۲۲

مبحث اول: در شرایط وجوب فطره است،

اشاره

و آن چهار أمر است:

اول: بلوغ است،

پس بر صغیر واجب نیست، نه از برای خود و نه از برای کسی که در عیال او است، مثل غلامی یا کنیزی که داشته باشد از ارث پدر یا مادر خود مثلا.

دوّم: عقل است،

پس واجب نیست بر دیوانه، چنانچه بر صغیر گذشت و در حکم جنون است اغماء، پس بر بیهوش لازم نیست.

سوّم: حریت،

پس بر بنده لازم نیست مگر آنکه جزئی از آن آزاد شده باشد، پس به حساب آن جزء بر او واجب است.

چهارم: غنا،

پس بر شخص فقیر واجب نیست، و مراد به فقیر همان کسی است که بتواند زکات فطره و غیر آن را بگیرد، پس کسی که خود مستحق زکات فطره است زکات فطره بر او واجب نیست، چنانچه به همین مضمون اخبار وارد شده، لکن احوط از برای فقیری که زیاده بر قوت شب و روز خود به قدر فطره مالك است اخراج آن است، و مشهور این است که مستحب است از برای فقیری که صاحب عیال باشد یك فطره را به عیال خود دست به دست بکند و در آخر آن را اخراج کند، هر چند که اگر بعض آنها صغیر باشد اشکال وارد می‌شود در اخراج از ملك او.

و بدان که زمان تحقق شرایط مذکوره جزء آخر از روز آخر ماه رمضان مقرون به جزء اول شب شوال است، پس وجود آنها بعد از هلال کفایت نمی‌کند در وجوب فطره، و همچنین کافری که مسلمان شود قبل از هلال زکات فطره بر او مستقر می‌شود، و اگر بعد از هلال مسلمان شود آنچه بر او در وقت هلال واجب شده بود ساقط می‌شود از او به جهت اسلام او، و بعد از این سبب دیگری از برای وجوب فطره بر او نیست، لکن

رساله زکات فطره، ص: ۲۲۳

مستحب است در صورتی که قبل از زوال روز عید مسلمان شود آنکه بدهد فطره را بنابر روایتی که وارد شده، و مشهور الحاق نموده‌اند در این حکم کسانی را که شرط وجوب فطره، یعنی بلوغ و عقل و حریت و غنا در ایشان موجود شود بعد از هلال و قبل از زوال.

مبحث دوّم: آنکه واجب است بر هر که شرایط مذکوره در او مجتمع است،

بیرون کردن فطره از خود و از هر کس که در اوّل هلال شوال در عیال او می‌باشد، یعنی نفقهٔ او را متکفّل می‌شود بالفعل، هر چند که تحمل نفقهٔ او بر لازم نباشد و از هر کس که او را با عیال خود منضم نموده در تحمل نفقه هر چند که عیال حساب نشود به جهت اینکه تبرّعا معاش او را متحمل می‌شود، مثل اینکه شخصی را خادم می‌گیرد در مقابل انفاق بر او، و از هر کس که انفاق او بر هر مکلّف لازم است. مثل زن دائمه مدخول بها غیر ناشزه، و مملوك، و والدین، و اولاد واجب النفقه، هر چند که بالفعل انفاق بر آنها نمی‌کند عصیانا مثلا، بنابر مذهب مشهور، اگر چه در دلیلش تأمّل است، لکن احوط است.

و احوط از آن وجوب فطره زنی است که نفقهٔ او واجب نباشد، مثل ناشزه و صغیره و غیر متصرف فیها، و اگر یکی از جماعت واجب النفقه در نفقهٔ شخص دیگری باشند که جامع شرایط وجوب فطره است، پس بی‌اشکال فطره از آن شخص مکلف به انفاق ساقط است، اگر چه در صورت امتناع شخص منفق از دادن معصیهٔ، به آن اشکال متوجه است.

و بدان که در مقدار ضیافت که موجب فطرهٔ مهمان است بر مهماندار اختلاف واقع شده، احوط بلکه اقوی آنکه همین قدر که

در وقت هلال شوّال صدق مهمان بر شخص بکند فطرهٔ او را میزبان بدهد، هر چند که هنوز غذای او را نخورده باشد، بلکه احوط آن است که هر چند که در

روز آخر وعده بخواهد از شخص که شب بعد از هلال حاضر شود فطرهٔ او را بدهد، و احوط در جمیع صور مختلف فیها آنکه هر دو فطره بدهند.

و به هر حال کسی که صدق عیال با تحمل نفقهٔ او بالفعل یا وجوب انفاق بر او بعد از دخول هلال شوّال متحقق شود فطرهٔ او لازم نیست، إلّا آنکه اگر شخصی داخل عیال شود و یا از برای شخصی مولودی متولد شود بعد از هلال و قبل از زوال فطرهٔ او مستحب است.

بدان که کسی که فطرهٔ او بر غیر خودش لازم شد به جهت یکی از عنوانات متقدمه پس اگر آن غیر فطرهٔ آن شخص را داد پس از خودش ساقط است، و اگر نداد تقصیرا یا قصورا مثل اعتقاد عدم وجوب به جهت اشتباه در موضوع یا حکم، پس احوط آن است که خود اگر جامع شرایط وجوب باشد فطرهٔ خود را بدهد، اگر چه در وجوب آن اشکالی هست، و اما اگر آن شخص منفق معسر باشد، پس وجوب فطره بر خود آن شخص أوضح است، و اگر این شخص بدهد با اذن آن شخص معسر احوط خواهد بود، و احتیاط در صورت سابقه آكد است.

مبحث سوّم: در جنس فطره است،

بدان که در آن خلاف بسیار هست، احوط آنها که مذهب جمعی از متقدمین است اقتصار است بر غلات أربع، یعنی جو و گندم و خرما و مویز، اگر چه اقوی جواز دادن برنج و کشک است فی الجمله، لکن احوط آن است که این دو جنس را هم گذشته از سایر اجناس دیگر به قیمت یکی از غلات اربع حساب کند، و احوط از آن آنکه قیمت یکی از غلات اربع را غیر از درهم و دینار ندهد، اگر چه اقوی جواز قیمت است از پول سیاه بلکه از هر جنسی که بوده باشد، و احوط آن است که کمتر از صاع از یکی از غلات اربع را به قیمت صاعی از یکی دیگر از آنها ندهد، مثل آنکه نصف صاع مویز دهد به قیمت

یک صاع خرما مثلا.

مبحث چهارم: در مقدار آن است،

و آن بنابر مشهور یک صاع است، که چهار مدّ است، و نه رطل است به رطل عراقی، و به حسب مثقال صیرفی ششصد و چهار ده مثقال و یک ربع مثقال است، و بعضی فرموده‌اند که اولی یک من و نیم تبریز است، و بعضی اولی‌تر از آن یک من شاه دانسته‌اند و فتوی همان است که گذشت.

و بدان که احوط آن است که صاع را از یک جنس از اجناس مذکوره دهد، نه آنکه نیم صاع جو و نیم صاع گندم بدهد، مگر آنکه یکی از دونیم به قیمت نیم دیگر حساب کند.

مبحث پنجم: در وقت اخراج آن است،

و در آن خلاف است، و احوط بلکه خالی از قوت نیست تقدیم آن بر طلوع فجر از روز عید، هر چند سبب وجوب آن دخول شب عید است، و همچنین خلاف است در آخر وقت آن، و قول به امتداد آن تا وقت زوال و حرمت تأخیر آن از زوال خالی از قوت نیست، و بر تقدیر تأخیر أحوط دادن آن است بعد از زوال و عدم تأخیر آن است از روز عید.

و احوط آن است که بعد از زوال قصد صدقهٔ مردّدهٔ ما بین فطره و صدقه مطلقه نماید، نه قصد خصوص فطره، و همچنین احوط تدارک آن است بعد از روز عید به همان قصد مذکور، و قصد تردّد بین قضا و اداء، و این در وقتی است که فطره را قبل از زوال تعیین نکرده باشد و به کنار نگذاشته باشد.

و اما اگر تعیین نموده و به کناری گذاشته پس هر وقت که او را می‌دهد به قصد فطره واجبه می‌دهد، و فرقی نیست در تعیین میان آنکه مقدار صاع را از اجناس فطره معین کند و به کناری گذارد، و ما بین قیمت که

آن را تعیین کند و به کناری گذارد، و در قیمت فرق ما بین نقد و جنس نیست، چنانچه گذشت.

و بدان که ظاهر جواز تعیین فطره و کنار گذاشتن آن است هر چند که مستحق موجود باشد، لکن احوط اخراج آن است قبل از زوال با وجود مستحق.

مبحث ششم: در مستحق فطره است،

بدان که اشهر و اقوی آنکه مصرف فطره همان هشت مصرف زکات است، لکن احوط چنانچه ظاهر فتوای بعضی است تخصیص آن است به فقراء و مساکین.

و بدان که در اشتراط عدالت در مستحق فطره بلکه مطلق زکات خلاف است، احوط اعتبار عدالت است، اگر چه جواز دادن آن به مجهول الحال خالی از قوت نیست، و همچنین جواز دادن آن به معلوم الفسق است در صورتی که عادل موجود نشود.

و احوط و اسلم عزل آن است در روز عید و رساندن آن است به عادل با امکان، و با عدم تمکن از ایصال آن به عادل نگاه داشتن از برای عادل تا اوّل وقتی که متمکّن شود از ایصال آن به سوی او، اگر چه قول بعدم اعتبار عدالت مطلقا خالی از قوت نیست، لکن به استثناء شارب الخمر و کسی که صرف فطره در این وجه می‌نماید.

و شرط است در مستحق فطره غیر هاشمی آنکه هاشمی نباشد، پس حرام است بر هاشمی فطرهٔ غیر هاشمی، بلی فطرهٔ هاشمی بر هاشمی حرام نیست، و مراد به فطرهٔ غیر هاشمی آن است که دهندهٔ فطره و کسی که فطره به ذمهٔ او متعلق است هاشمی نباشد، هر چند آن شخص فطره را از برای شخص هاشمی که در عیال او است بدهد.

و بعضی گفته‌اند که مراد عکس این است، یعنی کسی که از برای او

فطره می‌دهند هاشمی نباشد، هر چند کسی که فطره متعلّق به ذمّه او است هاشمی بوده، پس هاشمی فطرهٔ غیر هاشمی که در عیال او است به هاشمی نمی‌تواند بدهد، و اول خالی از قوّت نیست، لکن احوط جمع میان این دو قول است و آنکه نگیرد هاشمی فطره از کسی که غیر هاشمی باشد، هر چند فطره را از برای هاشمی بدهد.

و آنکه نگیرد فطره از هاشمی هر گاه فطره را از برای غیر هاشمی بدهد، چنانچه احوط از برای شریف یعنی کسی که مادر او علویّه است آنکه زکات عامی را أخذ نکند.

و همچنین شرط است در مستحق فطره آنکه واجب النفقهٔ آن شخص دهنده نباشد، پس نمی‌تواند که فطرهٔ خود را یا یکی از

عیال خود را به واجب النفقهٔ خود بدهد، هر چند که فطرهٔ آن واجب النفقه به گردن شخص دیگری باشد، چنانچه اگر کسی واجب النفقهٔ او نباشد هر چند فطره‌اش بر این شخص لازم باشد به جهت مهمانی و نحو آن می‌تواند فطرهٔ او و عیال او را بگیرد، و در جواز گرفتن همان فطره که از برای خودش می‌دهد دو وجه است، اقوی جواز، و احوط اجتناب است.

و بدان که احوط و اشهر آن است که به فقیری کمتر از یک فطره ندهد، مگر آنکه فقراء بسیار جمع شوند و آنچه موجود است وفاء به ایشان نکند.

تمّت الرّسالهٔ بحمد اللّه و توفیقه

دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، رساله زکات فطره، در یک جلد، قم - ایران، اول، ه ق

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور

و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگـان نرم افزار های تلفن همراه و چنـدین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکـاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشـگاهها، اماکن مـذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سـایت: www.ghaemiyeh.com ایمیـل: Info@ghaemiyeh.com فروشـگاه اینترنـتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیـع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصـلی این خانه (قائمیه) امید داشـته و امیدواریم حضـرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شمـاره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شـبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجـاج - به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم ما که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السـلام: امام حسـین علیه السـلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری:

مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».